

# مذاکرات مجلس

صورت مشروح مجلس روز سه شنبه پنجم اسفند ماه ۱۳۲۰

## فهرست مطالب :

۳ - رونق و دستاور جلسه بعد - نام جلسه

۱ تصویب صورت مجلس  
۲ بقیه شور لایحه جلوگیری از احتکار

مجلس يك ساعت و سه ربع پیش از ظهر بر ریاست آقای اسفندیاری تشکیل گردید.

صورت مجلس یکشنبه سوم اسفند ماه را آقای طوسی (منشی) خواندند.

### ۱ - تصویب صورت مجلس

رئیس - در صورت مجلس نظری نیست ؟ آقای طباطبائی در صورت مجلس نظری دارید .  
طباطبائی - عرض کنم صورت جلسه اینطور حکایت کرد یعنی بنده اینطور شنیدم بنده با ماده اول مثل اینکه موافق بودم نهایت خواستم که خوب اجرا شود در صورتیکه اینطور نبود و بنده با همه لایحه مخالف بودم بنده عرض کردم اصلاً راه جلوگیری از احتکار این نیست . این است که خواستم اصلاح شود.

رئیس - چون در صورت مجلس هم شما موافق نوشته بودید هم مخالف باین جهت اینطور شده حالا اصلاح میشود .  
طباطبائی - بنده مخالف نوشته بودم آقای رئیس - هر دو را نوشته بودید .  
[ ۳ - بقیه شور لایحه جلوگیری از احتکار ]  
رئیس - لایحه جلوگیری از احتکار مطرح است ماده دوم خوانده میشود .  
ماده دوم - دولت میتواند انواع کالاهای مورد احتیاج عموم را ( از خوراکی و پوشاکی و دارو و وسائل باربری و

( مطابق قانون ۸ آذر ۱۳۰۵ )

عین مذاکرات مشروح بیست و هشتمین جلسه دوره سیزدهم قانون گذاری

اداره تند نویسی و تحریر صورت مجلس

اسامی غالبین جلسه گذشته که ضمن صورت مجلس خوانده شده :

غالبین بی اجازه - آقایان : توابت - ذوالقدر - صافی - صدر - خواجه نوری - جلالی - اصفهانی - دکتر ادهم - آصف - صادق وزیري -

کرکائی - معذل .

دبر آمدگان بی اجازه - آقایان : اکبر - خسرو شاهی - اردبیلی - نصر تیان .

متعلقات و غیره) اهم از ضروری و غیر ضروری معین و آگاهی نماید.

اگر کالاهای نامبرده طبق سورتیکه رئیس هر خانواده میدهد زاید از مصرف شخصی و عائله صاحب آن باشد و دولت خرید آنرا برای مصارف کشور لازم بداند صاحب کالا مخالف است بشرحی که دولت معین مینماید آنرا بدولت بفروشد و در صورت استنکاف او از فروش دولت کالا را گرفته و بنرخ مزبور قیمت آنرا خواهد پرداخت.

رئیس - آقای ملک مدنی.

طباطبائی - بنده قبلاً اجازت خواسته ام و در ورقه نوشته ام مخالفم. بنده زودتر هم نوشته ام برای تذکر آقای رئیس عرض کرده.

ملک مدنی - بنده اگر اجازه میفرمائید آقای طباطبائی عرض کنم (طباطبائی - بفرمائید) عرض کنم بنده در این ماده ۲ در کمیسیون هم یک تذکرانی دادم و پیشنهادی هم تقدیم کردم که منظور نظر آقای وزیر دادگستری و آقایان واقع شد نظری که بنده عرض کردم یک نظری است که باید مورد توجه باشد این است که پیشنهادی تقدیم کرده ایم بنده و جمعی از آقایان راجع بماده دو حالا توضیحاتش را بعرض میبرسانم در اینجا ذکر شده که هر رئیس خانواده باید بصورت کالای خودش را تعیین کند و بدهد. بعقیده بنده با سوابقی که همه داریم اگر این مطلب را فقط توجه بشهرستانها بدهیم اشکالی ندارد ممکن است دولت با سازمان و اشکیلاتی که دارد این قضیه را انجام بدهد. گرچه بنظر بنده در شهرستانها هم همینطور است برای اینکه در هر شهری هر خانواده را بخواهند بروند رسیدگی کنند و ورقه بدهند مازادش را تعیین کنند خیلی اشکال دارد اما بنده راجع بشهرستانها عرضی ندارم موضوع عرض بنده راجع بدیستانها و بلوکانی است که در این کشور هست برای اینکه ما یک تجربه و سوابقی داریم که یکی دوبار دیگر هم همینطور سختی خوار بار پیدا شد و دولت یک اقدامات خیلی شدیدی در دهات و بلوکات و قراء کرد و در نتیجه قیمت گندم بالا رفت و چیزی هم عاید دولت نشد فعلاً

فراخه بشوند زیرا الرایا بقدر کافی دولت مأمور ندارد نباید مسکن است مأمورین هم بکفندی بالاخره رفتارشان بحکام گذشته خوب نباشد دلیلی هم ندارد بدون جهت رعیت و خرده مالک وزارت را نگران کرده باشیم برای اینکه آن مأمورین که در دهات و قری مرود توجه بخواهد کرد که در دهات باشند اشخاصی هستند که همیشه در دهات مقداری گندم اضافه دارند که آن گندمشان را در بهار بآن مردمی میدهند که آن گندم را سرخر من بکنند یا پولش را میگیرند یا این گندم را قبض میگیرند یا چیزی اضافه میکنند میدهند اگر مادیات را مستثنی نکنیم این عمل جلوش گرفته میشود و یک دسته مردم در هر دهی و بلوکی گرسنه میمانند و مزاحمت دولت میشود و خلاصه وقتی که آن نداشته میآیند بشهر و در شهر مزاحمت مردم میشوند بنده این پیشنهادی را که داده ام عده ای از رفقا هم امضا کرده اند از نقطه نظر تسهیل پیشرفت کار است برای اینکه اگر دولت در جایی انباری سراغ داشت آنرا برود بردارد البته مازادش را حساب کند و آنچه که ببرد زراعت و عوامل رعیتی و برزگر و گاو آنها لازم است مستثنی کنند باقی را بردارد هر جا که گزارش نداشت بهاور کلی دستوری نباشد برای مأمورین که بروند تحصیلداران یا مأمورین مردم را دچار زحمت بکنند یا تحصیلداران مزاحمت حال مردم بشود که خود همین مطلب یک وحشتی در دهات ایجاد میکند زیرا آنچه که مسلم است این انگری همیشه موجب احتکار میشود این مطلب مسلم شده است بنده فکر میکنم که باید همیشه تبلیغ کرد و عموم را متوجه نمود که در عین حال که دولت قدرت دارد فکر رفاه و آسایش مردم را هم میکنند و این انگریها وجود خارجی ندارد و باید کاری کرد که این افکار مردم تسلی پیدا کند که خیال نکنند سال قحطی است بعقیده بنده سال قحطی نیست و دولت هم قوی است جنس هم دارد مخصوصاً باید این صحبت ها را کرد که مردم هم بدانند و می بردارند جنس قوی انبار و خانه شان ذخیره کنند و تولید اشکال کنند باین جهت وقتی که ما در قانون استثنای کردیم دهات و بلوکات را مردم همان

معاملاتی که بین خودشان رایج است میکنند هم دست دولت سبز میشود و مردم هم در زحمت نمی افتند و اگر دولت مقصودش این است که جنس اضافه بدستش بیاید هر جا که گزارش صحیح داشت و سراغ داشت مرود بازرس میکنند و در مدارد و می آورد این است که در این زمینده بنده پیشنهادی بفرست تقدیم کرده ام و امیدوارم دولت با نظر خوب تلقی کند و این اشکال را از مرود دهات و زراعت رفع کند.

رئیس - آقای طباطبائی.

طباطبائی - توضیحات آقای ملک مدنی اولاً از این جهت اسباب تشکر من است که قسمتی از عریض مرا توضیح و تذکر دادند ولی معلوم شد که پیشنهادی داده اند و توضیحات ایشان در اطراف پیشنهاد خودشان بود البته مطابق نظامنامه ابتدا بایستی پیشنهاد خوانده میشد بعد از صحبت در ماده در پیشنهاد مذاکره و توضیح داده میشد یک قسمت عریض بنده همین بود که فرمودند و انگری زیاد بین مردم راجع به همین مزاحمت مأمورین است مخصوصاً در قراء و قصبات و جاهای کوچک و چون ایشان توضیحات کافی دارند بنده دیگر تکرار نمیکنم مطلب همین بود که گفتند. حالا در خود ماده عبارت قوی پراکنز نوشته شده است کالاهای مورد احتیاج عموم از خوراکی و پوشاکی و دارو و وسائل باربری و متعلقات و غیره. بنظر بنده این کلامه غیره این جا لازم نیست و این همان نقطه ایست که از انظار انگری و وحشت هست شما تقریباً با یک مخصوصاً همه چیز را این جا گفته اید لوازم زندگی کالی غیر از خوراکی و پوشاکی و دارو و وسائل باربری دیگر چیزی باقی نمی ماند و اگر هم بماند و لازم باشد باز باید قید کنید و الا این (و غیره) را میدهید دست مأمورین و می افتند بجان مردم و این کشمکش من نمیدانم تا کجا است. بعد از این که این پراکنز بسته شد میتوانستیم از ضروری و غیر ضروری خوب در ماده اول تصریح شد که منظور این است که لوازم و ما به محتاج ضروری عامه احتکار نشود دیگر با موادی که خودتان هم میگوئید غیر

ضروری است چه کار دارید؟ اگر يك مواد اشیائی که خودتان میگوئید غیر ضروری است و مربوط بزندگی عمومی نیست چه کار دارید دیگر چرا برای خودتان تکلیف زیاد میکنید و برای مردم زحمت تولید میکنید تا همین اندازه دولت انشاء الله شاید موفق شود این منظور را خوب عملی کند و لوازم ضروری مردم را جمع آوری کند و از احتکاش جلوگیری کند قدم بزرگی است و کافی است. مطلب دیگری که بنده در ماده اول هم میخواستم عرض کنم و حالا موقعش است این است در آخر سطر چهارم مینویسد: زائد از مصرف شخصی و عائله صاحب خانه. زائد از مصرف یعنی چه؟ تا کی؟ برای چه مدت؟ یکسال يك روز يك ماه چقدر يك خانواده يك عائله باید کالا یا جنس یا آذوقه داشته باشد و برای چه موقع؟ در مواد دیگر بنده دیدم تشخیص با مأمور دولت است و همین جا اول اختلاف و اول قدمی است که عامه را دچار اشکال میکند و عقیده بنده باید لا اقل معین شود که مصرف چقدر و برای چه مدت هر عائله ای میتواند برای خودش آذوقه نگاهدارد و آذوقه علاوه بر آن مدت زائد شناخته میشود. در یکی دو سطر بعد هست که صاحب کالا مکلف است که اشیاء خودش را برخی که دولت معین میکند به دولت بفروشد و بعد هست اگر فروخت دولت چکار میکند خوب این يك فرضی است اگر فروخت دولت چه میکند هم خودش نرخ معین میکند و هم میخرد همان مطلب اول است درست توجه بفرمائید باین دو سطر آخر صاحب کالا مکلف است به برخی که دولت معین میکند بفروشد و اگر فروخت سانسکیولش چیست باز هم بخود دولت میفروشد به برخی که خود دولت معین میکند بنظر من اینطور شد بکنید وقتی که يك جنسی يك کالائی را آمدید زائد بر مصرف تشخیص دادید صاحب مال مکلف باشد آنرا بفروشد بهر کس که دلتش خواست درات قصد تجارت ندارد امیدخواه جنس بگردد و جنس بفروشد فقط میخواهد از احتکار جلوگیری کند آمدید معین کردید این صاحب مال اقتدر جنس برایش ضروری است این مال خودش بقیه

را اگر نگهداشت محترک شناخته میشود و مکلف است بفروشد حالا اگر منحصر باشد بدولت یعنی چه اگر اینطور که نوشته شده مازادی داشت باید بفروشد اگر فروخت دولت بیاید به برخی که خودش معین میکند این مال را بخرد. عرض دیگر بنده تعیین نرخ است تعیین نرخ از طرف دولت يك چیز خوبی نیست ملاحظه فرمودید در همین امسال وقتی که يك مضیقه پیدا شد در طهران از طرف شهر داری يك نرخهایی را معین کردند برای اجناس و باعث شد که حتی اصلا جنس پیدا نمیشد و بعلاوه اصلا عادلانه نبود و از روی فهم و بصیرت نبود. در مواد دیگر این قید هست و فقط آنرا بدوش مأمورین گذاشته اند حالا باید در عمل در نظر بگیرند که يك عده اشخاص مطلع و خبره بایستی دعوت کرد که آنها نرخ را تعیین کنند. بلی عرض بنده تمام شد.

رئیس - آقای انوار.

انوار - بنده پیشنهادی دارم در موقع طرح پیشنهادها عرض میکنم.

رئیس - حالا بفرمائید.

انوار - این جا بعضی چیزها را اگر آقایان توجه داشته باشند این قانون اصلاح میشود. در کمیسیون هم مفصل صحبت شد و قرار شد که قیمت کالاها را خبره معین کند و در نظامنامه که برای این کار هست این اشکال رفع میشود چون دولت خودش تعیین قیمت نمیکند و تعیین قیمت را به خبره واگذار میکنند. در آن اشکال اساسی که آقای ملک مدنی فرمودند بنده کاملاً موافق هستم برای اینکه آقایان در شهر هستند و خبر ندارند که مثل يك کابون وقتی بروند مأمورین به دهات اسباب زحمت فراهم میکنند و تمام دلتنگی و تمام نگرانی که هست از مأمورین دولت است دولت هم تقصیر ندارد چکار کند؟ برود مأمور از کجا بیاورد نگرانی که همه ماها داریم از این قانون بواسطه مأمورین و زحمتی است که برای مردم فراهم میشود خصوصاً وقتی که بگویند در يك دهی گندم هست و دولت محتاج است خدا میداند چکار میکنند. این را در کمیسیون هم صحبت کردیم که اگر بشود قبلاً معین

کنند که هر کسی انبار دارد آنرا از اوسند بگیرند و مأمور دولت را بدهات نفرستند. پیشنهادی که بنده کرده ام و تصور میکنم آقای وزیر دادگستری هم قبول بفرمایند این کلمه متعلقات است که مطلق نوشته شده در کمیسیون هم صحبت شد که وسائل باربری و متعلقات آن نوشته شود. موضوع دیگر این کلمه (و غیره) است بعضی از رفقای ما گفتند آن و غیره را معین کنید گفته شد سوخت است خوب این را معین کنید که سوخت است و شامل ذغال و هیزم اینها باشد که اگر بخواهند ضبط کنند و احتکار کنند همانجوری که همه ما گرفتار شدیم که سوخت را ترقی دادند و ذغال را احتکار کرده اند دیگر نتوانند ولی باید این غیره برداشته شود یا این که آقای وزیر دادگستری توضیح بدهند و این کلمه و غیره را تخصیص بدهند که سوخت است نه اینکه مطلق بگویند که هر مأموری بیاید و از این کلمه و غیره سوء استفاده کند و بگوید فلان چیز هم هست چون غیره هست غیره لفظ مبهمی است و لفظ مبهم اطلاق بهمه چیز میشود و در موقعش میتواند همه جور از این کلمه سوء استفاده کنند مگر اینکه آقای وزیر دادگستری توضیح بدهند و معین کنند که مراد از غیره کدام نوع از کالا است سوخت است ذغال است معین کنند بنده همیشه این را عرض کرده ام و در کمیسیون عدلیه هم خدمت آقای وزیر دادگستری عرض کردم که الفاظ مبهم در قانون نباشد خصوصاً این قانون که تماس دارد با تمام افراد و خصوصاً نسبت بمأمورین ما که ایمان و عقیده و عمل بوظیفه ندارند باید بقدر امکان کاری بکنیم که کلمه ای که ازش سوء استفاده بشود بدست مأمورین ندهیم چون حالا تب دارم استدعا میکنم آقای وزیر دادگستری این پیشنهاد را قبول بفرمایند.

وزیر دادگستری - امیدوارم کسالت آقای انوار بزودی رفع شود و آقا در کمال سلامت باشند. عرض کنم راجع به توضیحاتی که آقای ملک مدنی نماینده محترم راجع به پیشنهاد خودشان که هنوز خوانده نشده است دادند همانطور که خودشان فرمودند در کمیسیون مفصلاً مذاکره شده و

آقایان نمایندگانی که در کمیسیون تشریف داشتند توجه فرمودند بعد از دقت در موضوع دیده شد که مصلحت نیست ما این کار را بکنیم و واقعاً هم مصلحت نیست چرا؟ برای اینکه قانونی که در کشور گذارده میشود اولاً برای تمام کشور است و ما نمیتوانیم این را تنها برای شهرها تخصیص بدهیم در صورتیکه موضوع عمومیت دارد برای کلیه کشور اعم از قراء و قصبات و نظر خارج از منطقی است که يك قسمت از کشور را خارج از قانون بدانیم و قانون را شامل آنها ندانیم خصوصاً اینکه موضوع طوری است که مربوط به این قراء و قصبات است. ملاحظه بفرمائید که گندم و جو و سایر حوائج عمومی غالباً در کجا است اشخاص که این چیزها را میآورند در شهرها انبار کنند این برخلاف صرفه خود آنها است که ازدهات و باوکات گندم را بیاورند در شهر باید مبالغی کرایه بدهند انبار داری بدهند در صورتی که این کار وسائلش در ده فراهم است پس اگر چیزی باشد در آنها هم است. يك مطلب دیگر که مورد نگرانی آقایان است و مکرر صحبت شده است و آن این است که فرس شده است که مأمورین باید بروند تمام خانه ها را بگردند و در اثر این گردش و تفحص اسباب زحمت مردم را فراهم بیاورند یا سوء استفاده کنند اولاً بنده در جلسه قبل هم عرض کردم که این مربوط است بطرز اجرای این قانون و در اجرای این قانون هم بطوریکه در کمیسیون مذاکره شد و در این قانون اصلاح شد موکول است بتفویض آئین نامه که باختیار کمیسیون گذارده شده و در کمیسیون هم وجوه مختلفی برای اجرای این کار در نظر گرفته شده است که البته تمام دقت هائیکه باید در این باب بشود میشود که اسباب نگرانی برای کسی فراهم نباید و مسلماً همین منظور بعمل خواهد آمد خصوصاً اینکه بنده بطور کلی عرض میکنم که این يك چیزی شده است يك افسانه ای شده است که هر مطلبی را که صحبت میشود در این جور موارد ما اظهار نگرانی از طرز اجرا میکنیم مثل اینکه مأمورین میروند برای اینکه مزاحمت وارد آورند مأمورین که برای مزاحمت میروند اولاً

مأمورین نخواهند رفت و این در آئین نامه هم معین خواهد شد کمیسیون موقتی که برای اجرای این قانون لازم باشد در نظر خواهد گرفت و تصور می رود که احتیاج به فرستادن مأمورین نباشد و نهایتاً اگر مأمور برود چه وقت می رود و قتی که اطلاع پیدا کردند که يك احتكاری واقع شده است در یکجائی و يك محتملی هست آنرا البته می روند و تعقیب می کنند و منطقی نیست که بروند تمام خانه ها را بگردند و به بینند که چیزی هست یا نیست اگر برای این کار ماسه کردار می شود هم تهیه کنیم این عملی نمیشود که بروند در تمام مملکت در خانه ها بگردند و به بینند چیزی پیدا میشود یا خیر و باین عنوان مزاحم مردم بشوند تصدیق بفرمائید که اگر هم يك سوء قضی بود عملی بود گذشته از اینکه همچو یتیمی اصلاً نیست و این امر خلاف منطقی را کسی نمیخواهد انجام بدهد فقط اینجا در نظر گرفته شده است که آن صورتی را که اشخاص میدهند صحیح و معتبر شناخته میشود مگر اینکه خلافش ثابت شود اگر در جائی اطلاع پیدا شد که احتكاری نشده انباری نیست ذخیره ای نیست که مورد ندارد بروند مطالبه کنند اگر نیست که کاری ندارد بخصوصاً بر عیار اهالی دهات که کار ندارند همه کس میداند که اهالی دهات يك مقدار کمی برای مصرف خودشان دارند اما در دهات هستند اشخاصی چه بسا این که قصد احتكار داشته باشند و میخواهند اجناسی را آنجا نگاهداری کنند و این انحصار به گندم تنها هم ندارد فرض بفرمائید دارو، اگر بخواهیم قراء و قصبات را استثناء کنیم از این قانون چه مانع دارد آن شخص محتملی که سوء نیت دارد دارو را ببرد در قراء و قصبات پنهان کند نتیجه چه خواهد شد؟ نتیجه این خواهد شد که چون دسترس بقراء و قصبات نیست و قراء و قصبات خارج از حوزه اعمال این قانون شناخته شود آنگاه مأمورین دسترس باین احتكاری بگشوده است و این دارویی که آنجا بوده است نخواهند داشت پس این نقض غرض میشود و منطقی ندارد که دهات و قراء و قصبات را خارج کنیم و در کمیسیون هم این مطلب مذاکره شد و مخصوصاً اصلاحی

در ماده ۱۷ بعمل آمد که هر گونه نگرانی که در این باب باشد رفع شود و آن این است که تنظیم آئین نامه و طرز اجرای کار گذاشته شد بنظر کمیسیون مجلس که مقرراتی برای این کار درست کند و سازمانی برای این کار بدهد که دیگر این سوء ظن ها و نگرانیها پیش نیاید و باین تفصیل ما نباید خودمان را نگران کنیم و شاید اسباب نگرانی برای مردم فراهم کنیم و بهیچوجه ممکن نیست کسی در صدد این باشد که برود در دهات و بخواهد اسباب زحمت مردم را روی این قانون فراهم کند. این ممکن نیست. اما اینکه آقای نجاد نماینده محترم آقای طباطبائی تذکراتی دادند باز همان نام نگرانی و زحمت مأمورین را تذکر دادند که بنده دیگر زائد میدانم دو مرتبه عرضی در این باب بکنم و خواهش میکنم که این مطلب را دیگر حل شده فرض بفرمائید و لا محاله در سایر موارد دیگر تکرار نفرمائید که غیر از اتلاف وقت خدا شاهد است ما نتیجه دیگری نمی بریم. اما راجع به لفظ و غیره و متعلقات آن در کمیسیون هم آقایان تذکر دادند و بنده هم در کمیسیون عرض کردم که لفظ و غیره جا دارد و همچنین متعلقات آن هم احتیاج دارد برای اینکه در ماده چه گفته است؟ گفته است که (کالاهای مورد احتیاج عمومی را از خوراکی و پوشاکی و دارو و وسائل باربری و متعلقات آن و غیره) آنگاه معجب فرمودند که غیر از خوراکی و پوشاکی و اینها دیگر چه کالائی باقی میماند بنده از آقا سؤال میکنم که مسابون خوراکی است یا پوشاکی که بریت خوراکی است یا پوشاکی ذغال خوراکی است یا پوشاکی؟ اینها مورد احتیاج عموم هست یا نیست البته تصدیق دارید که اینها مورد احتیاج عموم هست و از کالاهای مورد احتیاج عمومی ممکن است باشد پس باید برای اینها هم فکری کرد و چون انحصار باین چیزهائی که نوشته شده است ندارد و در هر موقعی ممکن است يك کالائی ضروری تشخیص شود این است که کلامه و غیره گذاشته شد که شامل همین چیزهائی که عرض کردم بشود و برای اینکه سوء تفاهم هم پیش نیاید در صورت مذاکرات مجلس هم قید میشود که از این قبیل کالاهائی است که برای

زندگی عمومی لازم است. اما راجع به متعلقات آن که آقا تذکر دادند. متعلقات آن هم لازم است برای اینکه اینجا گفته شده وسائل باربری و متعلقات آن. وسائل باربری چیست؟ کامیون اتومبیلها این جور چیزها اما فرض بفرمائید کامیون و اتومبیل تنها بایستی مورد نظر این قانون باشد آیا استیک جزء متعلقات آن نیست یا لوازم بدگی این اتومبیل و کامیون جزء لوازم و متعلقات آن نیست اینها هم البته لازم است و از چیزهائی است که نباید احتكار شود و باید در دسترس عموم گذاشته شود دو هم باید جاو گیری بشود که بخارج برود پس باید باین قسمتها هم توجه بشود و بهیچوجه جای آن نیست که این سوء تفاهمها دست بدهد (انوار - متعلقات آن نوشته شود. کلامه آن را گنیم اضافه شود) کلامه آن باید باشد و در چاپ افتاده است. آقای طباطبائی فرمودند که غیر ضروری را چرا این جا ذکر می کنیم. در ماده ذکر شده است که دولت این نوع کالاها را آنگهی مینماید و بدون آنکه منطلق ندارد. راجع باینکه فرمودند در ماده قید شده است که این کالاها را بدولت بفروشند و اگر نفروخت باز هم باید بفروشند و این سانسکیونش چیست. معلوم میشود آقای طباطبائی ماده را درست بهش توجه فرموده اند اگر توجه فرموده بودند این اشکال برای ایشان پیش نمی آمد این ماده ماده کیفری نیست که بسگوئیم سانسکیونش چیست و اگر نکرد بسگوئیم چه مجازاتی دارد در این ماده مجازاتی پیش بینی نشده است این جاد در نظر گرفته شده است که جنسی که مازاد است در معرض فروش گذارده شود و اگر دولت لازم بداند آنرا خریداری کند مکلف باشد که بدولت بفروشد و اگر نفروخت دولت میتواند ضبط کند و قیمتش را بپردازد بدون اینکه کیفری برای مستنکف برقرار شود و در ماده ۴ اگر قرائت فرموده باشید کیفر این قسمت ذکر شده است و در این جا گفته شده است که کالاهای زائد را در معرض فروش عموم مردم بگذارند و این جا يك نکته است که باید توجه شود و آن این است که گفته شده است که کالا بمعرض فروش عامه گذاشته شود و اقداماتی برایش شده است و يك

قسمت هم مواردی است که دولت لازم میداند که فروش آن اجناس را در دست بگیرد برای اینکه تسهیل کند خرید و فروش آنرا و آنوقت بتواند آن مقداری که زیاده از مصرف خانواده است آنرا بدست بیاورد و در ضمن هم مکلف باشد دولت که قیمتش را بدهد. اما اینکه فرمودند زائد از مصرف چهقدر است و چه مدت این جامه خواستند ایرادی وارد بیاورند. بنده باید عرض کنم که اینها جزئیات و مربوط به اجرائیات است و تمام اینها در ماده ۱۷ ذکر شده است و بنده توجه میدهم آقای نجاد نماینده محترم را به مدلول ماده ۱۷ که تمام اینها در آنجا پیش بینی شده. راجع به تعیین نرخ هم میگویند که خوب دولت هم خودش میخواهد نرخ را تعیین کند و هم خودش میخرد میفرمائید از کجا آدم بیاوریم که نرخ را معین کند نرخ را هم دولت باید معین کند منتهی اولاً دولت را واقعاً باید حامی مردم و وسیله اجرا و پیشرفت کار دانست نه يك بیگانه که فقط مزاحمت میخواهد بکند و بعقیده بنده این برخلاف مصلحت است (صحیح است) و دیگر اینکه دولت که خودش این کار را نمیکند و سائلی هست برای این کار در ماده ۱۷ ذکر شده است که به خبره و کار شناس رجوع میکنم و آنها را برای این کار دعوت میکنند و آنها هم وظیفه خودشان را این فرار نداده اند که همایش مزاحم حال مردم باشند و اسباب زحمت مردم را فراهم بیاورند هر کس که این قانون را از سر تا آخر بخواند ملاحظه میکند که این قانون برای رفاهیت حال عموم است و اگر تضییقاتی هم وارد شود برای اشخاصی است که سوء نیت دارند و عجب این است که ما فراموش میکنیم و خیال میکنیم که ما يك اشخاص صالحی را میخواهیم بیاوریم در مضیقه بگذاریم خیر آقا اینطور نیست ما اشخاصی را که مزاحم مردم هستند و میخواهند اسباب نگرانی و وحشت و زحمت مردم را فراهم کنند و سوء استفاده کنند ما اسباب زحمت آنها را فراهم خواهیم کرد و میخواهیم آنها را در مضیقه قرار دهیم بلی باید آنها را هم در مضیقه قرار داد و الا کار پیشرفت نمیکند و بنده تمنا میکنم برای اینکه کار پیشرفت کرده باشد و این قانون زودتر

بگذرد و اگر تأخیر شود در تصویب این قانون تصور میکنم مفاسدی مترتب شود و مضراتی برای جامعه داشته باشد آقایان موافقت بفرمایند که مذاکرات کافی باشد و وارد پیشنهادات شویم که این قانون زودتر بگذرد.

**جمعی از نمایندگان** - مذاکرات کافی است.

**امیر تیمور** - بنده عرض دارم. مخالفم با کفایت مذاکرات. **رئیس** - رأی گرفته میشود بکفایت مذاکرات موافقین برخیزند (اغلب برخاستند) تصویب شد. پیشنهادات خوانده میشود. پیشنهاد آقای انوار.

پیشنهاد میکنم در ماده دوم بعد از کلمه متعلقات (آن) اضافه شود و کلمه (و غیره) هم حذف شود. **رئیس** - آقای انوار.

**انوار** - کلمه (و غیره) را که قبول نمیکنند و آن هم که فرمودند هست و این پیشنهاد را بنده استرداد میکنم. **پیشنهاد آقای امیر تیمور**.

پیشنهاد میکنم در ماده ۲ بعد از مصرف کلمه (سالانه) افزوده شود.

**رئیس** - آقای امیر تیمور:

**امیر تیمور** - بنده خواهش میکنم آقای وزیر دادگستری توجه بفرمایند این موضوعی که بنده پیشنهاد کردم تذکری بود که نماینده محترم آقای یمین به بنده دادند و حقیقتاً نظرشان بمقیده بنده کاملاً وارد است این جا نوشته است اگر کالاهای نامبرده طبق صورتیکه رئیس هر خانواده میدهد زائد از مصرف شخصی و عائله صاحب آن باشد. بنده پیشنهاد کردم بعد از جمله (مصرف شخصی) سالیانه هم اضافه شود برای اینکه در عمل تولید سوء تفاهم نکند و تمنا میکنم موافقت بفرمایند.

**وزیر دادگستری** - بنده کاملاً توجه کردم به فرمایش جناب عالی ولی متأسفانه نمیشود با پیشنهاد جناب عالی موافقت کنیم برای اینکه موضوع مصرف متفاوت است با کالائی است که مصرف سالیانه کافی است برایش ولی با کالائی است که ممکن است سه ماه کافی باشد احتیاجات عامه را باید در نظر گرفت این را

خواهش میکنم بگذارید در آئین نامه انجام معلوم شود و الاسباب زحمت خواهد شد در آئین نامه پیش بینی شود بهتر است. **پیشنهاد آقای هاشمی**

پیشنهاد میکنم اعم از ضروری و غیر ضروری حذف شود. **هاشمی** - چون اول گفته شده است کالاهای مورد احتیاج عمومی اگر غیر ضروری است که تقشیش آن یا امر لغوی است و در واقع ممکن است کالاهائی بر حسب ضرورت یک وقت ضروری شناخته شود و اگر ضروری شد چون در آن قسمت مورد احتیاج هست دیگر این جمله ضرورتی ندارد.

**وزیر دادگستری** - عرض کنم این ماده ۲ که ملاحظه میفرمائید بنده تذکر دادم که این ماده سانکسیونتی ندارد فقط برای این است که معین شود چه کالاهائی ضروری است و چه کالائی غیر ضروری است و دولت فقط میخواهد اعلان کند باین جهت ذکر این قسمت لازم است.

**هاشمی** - بنده مسترد میکنم.

**پیشنهاد آقای دکتر طاهری:**

پیشنهاد میشود آخر ماده اضافه شود: مقررات نامبرده پس از تصویب کمیسیون دادگستری مجلس شورای ملی به موقع اجرا گذارده شود.

**دکتر طاهری** - این پیشنهاد مال ماده ۳ است بگذارید در ماده ۳

**امیر تیمور** - به پیشنهاد بنده رأی گرفته نشد رأی بگیریید. (پیشنهاد آقای امیر تیمور مجدداً خوانده شد)

**نقابت** - اجازه میفرمائید بنده مخالفم با این پیشنهاد. بنده عضو کمیسیون دادگستری هستم و مخالف با نظامنامه ایست. عرض کنم در ماده ۲ نوشته شده است انواع کالاهای مورد احتیاج عموم را معین کنند کالای مورد احتیاج عموم یکیش لاستیک است (امیر تیمور - مقصود بنده خوراکی است) خواهش میکنم اجازه بفرمائید عرض تمام شود بنده هم میتوانم داد بزنم. در ماده ۱۷ قید شده که باید آئین نامه تعیین کالاهای مورد احتیاج عموم و همچنین صورت

کالاهای ضروری و مقداری که هر کس میتواند برای مصرف خود و عائله اش داشته باشد و البته در نظامنامه پیش بینی میشود برای یکسال یا چه مدتی و با در نظر گرفتن انواع کالاهای مدت در آئین نامه معلوم میشود.

**رئیس** - رأی گرفته میشود به پیشنهاد آقای امیر تیمور موافقین با این پیشنهاد برخیزند.

(چند نفر برخاستند)

**رئیس** - رد شد. پیشنهاد آقای حمزه تاش.

پیشنهاد میکنم قسمت دوم ماده بشرح زیر اصلاح شود. اگر کالاهای نامبرده طی صورتی که رئیس هر خانواده و دهقان هر دهستان برای خانواده خود و خانواده روستائیان ده میدهند الی آخر. حمزه تاش **رئیس** - بفرمائید.

**حمزه تاش** - بنده مقصودم از این پیشنهاد این است که همانطور که خود آقای آهی میفرمایند بنده هم تصدیق میکنم که یک مقداری جنس در هر دهی هست ولی باید دید برای چه هست ما در مازندران (قسمتهای دیگر را بنده کار ندارم یعنی اطلاع ندارم) برنج و گندم در محل جمع میشود با وضعیتی که مازندرانها در این سنوات اخیر داشته اند از قبل هم اینطور بوده که ناچارند یک مقداری از آن جنس محل را نگاه دارند برای بذر و مساعده که برعیت میدهند تقریباً شاید بنده پانصد بار برنج آنجا انبار دارم مأمور دولت برود آنجا و بگوید پانصد بار را باید بدهی ولی نمیداند که بنده آن پانصد بار را نمیخواهم بفروشم اگر بخواهم بفروشم بقیمت گزافی از بنده میخرند بنده بگه داشته ام برای دادن مساعده و برای بذر. آقای وزیر دادگستری میفرمایند همه اش نباید از مأمور ناله کرد بنده هم تصدیق میکنم همه اش را از مأمورین ناله نمیکنم ولی قانون را باید یک طوری بنویسند که اسباب زحمت مردم نشود ما وقتی گفتیم آقا برود در دهات تقشیش کند بنده الآن اقرار میکنم هزار بار برنج آنجا داریم ولی برای دو هزار خاوار است و این مأمور میرود آنجا می بیند و خیال میکند که بنده میخواهم بفروشم. شما که مساعده و

بذر نمیدهید. بنده بایستی بذر و مساعده بدهم این است که بنده این را پیشنهاد کرده ام که شما دهقان را بخواهید صورت بدهد و مصرف آن ده را معین کند آنوقت مازاد را بگیرد و بفروشید ما حرفی نداریم.

**وزیر دادگستری** - داسوزی که آقای نماینده محترم میفرمایند کاملاً صحیح است اگر عاجی برای آن موضوعی که ایشان ازش نگران هستند پیش بینی نشده باشد. اولاً برای این منظور وسیله پیش بینی شده است پرروز که اینجا پیشنهاد شد و قرار شد در ماده هفدهم موضوع بذر تذکر داده شود (افشار - و مساعده) بذر و مساعده هر چه برای ملک لازم باشد بدیهی است که اینها زائد بر مصرف مالک نیست آنچه مصرف مالک است اعم از خوراک خودش خانواده اش بذرش اینها جزو چیزهائی است که جزء مصرف او شمرده میشود و گفتیم که در ماده هفدهم این را ذکر خواهیم کرد بنا بر این دیگر احتیاجی باین نیست که کار را ما موکول بنظر دهقان بکنیم که خود این را ممکن است مورد سوء استفاده قرار دهد یک طرف میفرمایند که مأمورین ممکن است چه بکنند چه نکنند از طرف دیگر یک همچو امری را بنظر کدخدا و یا دهقان میخواهند بکنند در صورتیکه بوسائل بهتری که در ماده هفدهم پیش بینی شود ممکن است این منظور تأمین شود و این بنظر بنده نقض غرض و برخلاف مساحت است که پیشنهاد بکنیم بنظر دهقان این تکلیف معلوم شود.

**حمزه تاش** - بنده خواستم آقای وزیر دادگستری را متذکر بکنم که خود دهقان مأمور دولت است او نمیتواند سوء استفاده کند (وزیر دادگستری - چرا) پس مأمور دولت هم میتواند. معیناً با این توضیحی که فرمودند که برای قسمت بذر و مساعده ده و دهستان نظر این است که در ماده هفدهم پیش بینی شود بنده هم پیشنهاد را مسترد می دارم

**رئیس** - پیشنهاد دیگر

تبصره بماده ۲ پیشنهاد میشود

دهات بلوکات از بازرسی در قسمت خوار بار مستثنی است مگر آنکه در محلی از انبار گندم وجو مطلق آنوقت بوسیله فرمانداری محل و دارائی آن محل بازرسی شده اگر خوار باری اضافه از احتیاجات محل بدست آوردند ضبط نموده قیمت آنرا بپردازند. بیات - ملک مدنی - اعتبار امیر نیمور - مکرم افشار - لاریجانی - مؤید ثابتی - زمین اسفندیاری

رئیس - آقای ملک مدنی

ملک مدنی - عرض کنم آقای وزیر داد گستری فرمودند که اگر دهات و قصبات را مستثنی کنیم ممکن است در آنجاها دارو باشد و از بازرسی و بدست آوردن داروها بالاخره ما موفقیت پیدا نکنیم این بود که ما قید کردیم خوار بار فقط مستثنی باشد و نظیر مان این است که در آن موقع که موقع بندر کاری است دهات و بلوکات در موقع بندر کاری و در موقعی که رعیت اگر پنجاه من گندم اضافه دارد بکسی که ندارد قرض میدهد و داد و ستد می شود این گندم را پیدا بکنند و در رفاه باشد. مقصود دولت میخواهیم ببینیم چیست آن کسی که محتمل است گندم دارد جو دارد آن را باید بازرسی کرد و گندم و جو انبارش را آورد و ضبط کرد این را ما در پیشنهاد خومان پیش بینی کردیم که وقتی که معلوم شد در یک محلی انبار هست اینها را دولت تحت نظر بگیرد و پس از تشخیص دادن اینکه مازاد از محل است آن را بردارد و بخرد بنده خیال میکنم این با منظور دولت از این قانون و نظری که آقای وزیر داد گستری دارند منافاتی ندارد فقط منافعی که دارد رفع نگرانی از رعیت و دهات اینها میکنند

سزاوار (مخبر کمیسیون داد گستری) - البته تصدیق میفرمائید که موضوع خوار بار مخصوصاً غله مرکز در قصبات و دهات است همینطور بامنطقه که آقای ملک مدنی و آقایان دیگر پیشنهاد کردند در جائی که اطلاع پیدا کردند حق بازرسی دارند در مواقع دیگر هم همین حال را دارد مأمورین وقتی میتوانند بازرسی کنند که اطلاع پیدا

داده اند مازادشان را دیگر دوبره پس از اینکه مأمورین دولت رفته اند بازدید کرده اند و معلوم کرده اند مازاد را و آنها تعهد کرده اند و گرفته اند این دوبره چه حربه است که بدست اینها میدهند که بروند و بجان مردم بیفتند در صورتی که مازاد سال قبل معین شده اگر یک اشخاصی بواسطه نفوذشان قدرتشان نداده اند آنها را دولت بگیرد دولت زورش با آنها نمیرسد بیچاره فقراء را اذیت نکند. این مقصود بنده و نظر بنده است و معتقد هستم و روی این اصل هم این پیشنهاد را کردم و اطمینان هم میخواهیم که مأمورین اسباب زحمت مردم را فراهم نکنند و الا مانع نیستم همانطور که اظهار کردند آنجا هم تذکر دادند که اگر یک جنبه احتکاری دولت یک جائی سراغ کرد باید آنجا جلوش را بگیرد و الا اگر بطور تسلسل بروند دوره بیفتند این معقول نیست مسئله انبارهای احتکاری هیچ مانع نیست هر جا دید انبار هست و احتکار هست رسیدگی بکنند و بگیرد و اما بطور تسلسل مأمور نباید در دهات بفرستند.

وزیر فرهنگ - آقایان تصدیق میفرمائید که این قانون احتکار برای این است که یک وضعیت غیر عادی ممکن است در میلکت ایجاد شود که عامه مردم در زحمت بیفتند بنابراین برای رفع زحمت از عامه مردم تا حدی که ممکن باشد پیش بینی شده است که جلوگیری شود از احتکار مایحتاج عمومی مردم. وضع غیر عادی دست هیچکس نیست. محیط ایجاد کرده است. در اینکه یک عده از مردم هستند که صاحب مواد احتیاجی عمومی هستند و اینها انصاف ندارند هیچ تردیدی نیست (بعضی از نمایندگان - صحیح است) الان هم مشغول هستند. روز بروز قیمت یک قسمت از اجناس زیاد میشود و معلوم نیست این مبنی بر چه اصلی است تمامش هم مربوط به ارز و امثال آن نیست. بنابراین برای جلوگیری از حرص و آرز و بیرحمی یک عده مردم که میل دارند سایرین در مضیقه بیفتند و از بیانی و یا نبودن دوا و غذا بمرید برای جلوگیری از این اشخاص این قانون درست شده است. در ضمن بنده در این چند روز مکرر

شنیدم که آقایان موافقند اما ترس دارند از مأمورین بنده از نظر پسیکولوژی یعنی از نظر روانشناسی باصطلاح امروز میخواهم تذکر بدهم یک موضوعی را که همه آقایان تصدیق خواهند فرمود و آن این است که ما ایرانیها اکثر آبستثنای یک عده قلیلی زود رنگ محیط را میگیریم باین معنی که اگر بکوقت رؤساء دولتها بخواهند مزاحم اشخاص بشوند مأمورین ده برابر آن مزاحم اشخاص میشوند (دبستانی - الان هم همینطور است) و اگر چنانچه دولت بخواهد یک دولتی یک عده رؤساء غیر از این را بخواهند اکثر مأمورین رویه شان را عوض میکنند پس آن عبارت الناس علی دین ملوک کهم که معنی عامی دارد یعنی هر زیر دستی نگاه به بالا دستش میکند و مطیع افکار مافوقش است (صحیح است) امروز تصور میکنم که جامعه ایرانی از همه طبقات و حتی مجلس شورای ملی و قوه مجریه تمام نظر دارند باینکه آن بدبختیها آن مزاحمتها آن سدماتی که در اثر زیاده تروی مأمورین سابق باین مردم رسیده است اینها را رفع کنند (صحیح است) اگر چنانچه این نظر بود و هست تصور می کنم که رفته رفته آن مأمورین هم تغییر رویه بدهند دولت در نظر دارد که کاملاً مراقبت بکنند از مأمورین خودش آن مأمورین که صالح باشد او را تشویق کند و آن مأمور غیر صالح را توبیخ کند و کیفر بدهد در عین این حال فرس میکنیم که بعضی از مأمورین بوظیفه خودشان عمل نکردند بنابراین چون بعضی از مأمورین بوظیفه خودشان عمل نخواهند کرد باید صرف نظر کرد از یک موضوع اساسی که نافع بحال مردم است؟ اینجا امر دائر است بین دو چیز یا اینکه جلو مردم را رها کنند که هر قدری که میخواهند بی انصافی کنند و دوا و غذا و خوراک و پوشاک مردم را احتکار کنند یا اینکه بگوئیم خیر یک تکلیفی برای اینها بایه معین کرد البته بنده هم موافق هستم که حتی الامکان باید تسهیلاتی قائل شد برای اجرای این قانون برای اینکه امروز یک وضع غیر عادی است و ممکن هم هست در آتیه از این شدید تر شود. اوضاع دایما دست ما نیست و ما نمیدانیم که

آئیه چه خواهد بود ولی امیدوار هستیم که اوضاع آئیه برای ما ایرانیها بلکه برای تمام دنیا بهتر بشود بنابراین راه حل باید پیدا کرد امروز در همه جای دنیا آئیهاییکه مبتلی شده اند باین اوضاع ناگوار همه دست بدست هم داده اند همه با هم مساعدت میکنند امروز عقیده بنده این است که در اجرای این قانون فقط نباید مأمور رسمی دولت مداخله کند بلکه دیگران هم سهم خودشان باید کمک کنند (صحیح است) بنابراین وقتیکه باین اصل آقایان موافق بودند جای هیچگونه نگرانی نیست چه مانعی دارد که نماینده خوزستان مثلا یا نماینده قزوین یا نمایندگان جای دیگر در موقع مقتضی خودشان کمک کنند باین موضوع چه مانعی دارد بعضی دیگر از سایر طبقات مردمان محترم مردمان علاقه مند به تسهیلات آنها هم کمک کنند و هیئت دولت هم بنده قول میدهم و اطمینان میدهم که با کمال خوشوقتی این قسمت را قبول خواهند کرد بنا بر این جای نگرانی نیست بعد از این مقدمه که عقیده دارم همه باید شرکت کنند برای اینکه خدای بخواسته اگر یک قحطی پیدا شود همه در خطریم (نمایندگان صحیح است) تصور نکنند یک اشخاصی که بسرف اینک آنها مصرف خانه خودشان را داشته باشند و خدای بخواسته قحطی برپا شود این خوراک برای آنها باقی خواهد ماند بنا بر این بنده عقیده دارم که همه باید با هم کمک کنیم در پیشرفت این منظور وقتیکه همه کمک کردیم آن نگرانیها ترسها و آن وحشتها بکلی بر طرف میشود در خانه میخواستیم یک تذکری بدهم به آقایان محترم و دوستان عزیز خودم که این پیشنهاد را فرموده اند خاطر مینماید که در پانزده سال قبل بنده متصدی وزارت فرهنگ بودم راجع به تعلیم اجباری مذاکرانی بود و بنده هم از وزارت مالیه که در آن تاریخ تحت ریاست دکتر میلسپو بود صورت تمام قراء و قصبات و شهرهای ایران را خواستم و آنچه الان بخاطر میآید مجموع اینها متجاوز از چهل هزار است (افشار - چهل و پنج هزار) عرض کردم متجاوز از چهل هزار است چهل پنج هزار است بنابراین اگر ما مقایسه کنیم دهات را مزارع

بنده اینطور تصمیم گرفتیم که هر مالکی خودش امضاء کند ما هر مالکی را خودش را مختار کردیم با اصطلاح همت عالی گفتیم هر کس هر چه مازاد دارد بدهد در همان کمیسیون یا کمیسیون بعدش شانزده هزار تن مطابق صورتی که دارند در اداره تثبیت اینجا برای طهران مازاد تعهد کردند بنده میخواهم از آقای وزیر فرهنگ استدعا کنم که تحقیق بفرمایند که از این شانزده هزار تن چه وصول شد و از کجا گرفتند و کیها دادند از این شانزده هزار تن مطابق اطلاعی که بنده دارم دو هزار و سیصد و چهارصد تن بیشتر وصول نشد آنها از کی گرفتند از یک اشخاص ضعیف و بیچاره که هر کدام پنجاه خروار شصت خروار مازاد داشتند ولی آن اقلامی که قبول کردند یک گندم را هم نگرفتند حالا میائیم و الآن این عمل را تکرار کنیم بنده نگرانیم این است که اگر بدانم حقیقتاً با این عمل دولت از دهات گندمی گیرش میآید معتقد باشید و مؤمن باشید که بنده جداً طرفدار هستم و موافقت میکنم ولی مطمئن باشید آقای وزیر فرهنگ که با این سابقه ای که دلصمیم گندم گیر دولت نیاید و آتوق اگر یک رعیتی که یک خروار یا دو خروار برای بندش یا نان خانه اش هست بروند یقه او را بگیرند و در نتیجه یک وضع پریشانی دیر دهات فراهم شود و بذر و کشت آئیه ما هم بخاطر بیفتد این اصل فلسفه است بایستی دولت واقعا معلوم کند که از این مازادی که الآن تعهد گرفتند در تمام کشور این را چرا اصلاً وصول نمیکنند؟ بنده آمدم تعهد کردم دو بست خروار بدهم بیایند ببینند از من پرسند چرا ندادی اگر بنده نداده ام آرزوی که تعهد کرده ام آنرا باید یک جنبه رسمی بهش داد و هر قدر داده ام ازش منها بکنید و بقیه را از من بخواهند آتوق بنده مکلف هستم و وقتی تحت فشار واقع شدم میروم خودم تهیه میکنم اگر ابناء دارم میدهم اگر فروخته ام میروم دنده ام برم شود دوباره از رعیت میخرم بشما میدهم صحبت سر تعهدات است اگر آن تعهدات را دولت ملاک عمل خودش قرار بدهد بنظر بنده مقصود تأمین است و محتاج نیست باین عمل محتاج نیست که مأمور بدهات و

را بموقع اجرا بگذارند اقدام میشود و گرفته میشود و مطلب بنظر بنده اینجا بیچ خورده است ملاحظه کنید این ماده چه میگوید راجع به چه چیز صحبت میکنند آنوقت توجه بفرمائید اساساً صحبت هائیکه میشود واقعاً هیچ مربوط نمیشود باین ماده؟ ماده میگوید (دولت میتواند انواع کالا های مورد احتیاج عموم را) از خوراکی و پوشاکی و دارو و وسائل باربری و متعلقات آن و غیره) اعم از ضروری و غیر ضروری معین و آگهی نماید) این قسمت که اشکال ندارد بعد مینویسد (اگر کالا های نامبرده طبق صورتیکه رئیس هر خانواده میدهد زائد از مصرف شخصی و عائله صاحب آن باشد و دولت خرید آنرا برای مصارف کشور لازم بداند صاحب کالا مکلف است بشرخی که دولت معین مینماید آنرا بدولت بفروشد و در صورت استتکاف او از فروش دولت کالا را گرفته و بشرخ مزبور قیمت آنرا خواهد پرداخت) حالا ملاحظه بفرمائید این ماده چه قدر تباین دارد با این صحبتهایی که میشود صحبت هائیکه میشود مربوط باین است که یک ماده ای باشد که آن ماده حاکی از این باشد که مأمورین بناشود فرستاده شوند بدهات برای اینکه ببینند کمی مازاد دارد کمی ندارد چه باید بکنند چه نباید بکنند اگر یک همچو ماده ای بود فرمایشات آقایان مصداق داشت اما ما همچو ماده ای نداریم ما میگوئیم اشخاص خودشان صورت میدهند بلکه بنده آدم صورت داد و گفتم بنده زیاده از مصرف پنجاه خروار گندم دارم این ماده ناظر باین موضوع است و اینجا اختیار میدهد بدولت که دولت بتواند این پنجاه خروار را از بنده بخرد هیچ صحبت از این نیست که مأمورینی فرستاده شود یا شود یا لینکه آن تعدیاتی که سابق بوده است آنها را بموقع اجراء بگذارند و بروند در خانه رعایا پنج سیر و یک سیر و یک خروار و پنجاه من بخواهند از آنها وصول کنند بنده تصور میکنم که سوء تفاهم شده اساساً در اینجا و این ماده موضوع همین است که خودش حاکی است و بیش از آنرا هم حاکی نیست و هیچ نگرانی از بابت اینکه مأمورین ممکن است بطور نامطلوبی وظیفه خودشان را اجرا کنند اینجا

جایش نیست بنده تصور میکنم در ماده هفدهم که مخصوص برای تعیین این منظور آقایان وضع شد و آن اصلاحی که شد یعنی همینطور که در کمیسیون هم فهمیدیم دیگر هیچ جای نگرانی باقی نماند برای اینکه طرز اجرا و عمل را گذاشتیم تحت اختیار کمیسیون که آئین نامه را تنظیم کند و هیچ هم صحبت از این اصلاً نبود که مأمورینی فرستاده شوند برای قراء و دهات فکر کردند این اصلاً عملی نیست طرز اجرای این کار را کمیسیون معین خواهد کرد بنده تصور میکنم که در این ماده بهیچوجه جای این صحبتها نیست و جای این پیشنهادها نیست.

رئیس - آقای امیر تیمور.

امیر تیمور - بنده هم که این پیشنهاد را امضاء کرده مقصودم این بود که حتی المقدور تماس مأمورین دولت با رعایا و دهات کمتر باشد و الا عقیده شخصی من این است که در این موقع که مملکت مایک حالت عادی ندارد هر کس که بخواهد از مواد خواربار و دارو این قبیل استفاده هارا بکند نه تنها محسوس شناخته میشود بلکه آدمی خائن است و بنده عقیده دارم که مجازات خائن را در حق این محسوسین باید اجرا کنند و آن پیشنهادی که اول عرض کرده بودم زائد بر مصرف سالیانه منظور از آن مصرف سالیانه این بود که رعایا در ایران اینطور هستند که سر خرمن که میشود مصرف سالیانه خودشان را از جنس و غیر جنس تأمین کنند تا سال دیگر و وقتی که یک خانواری مصرف سالیانه خودش را در ده خودش تهیه کرد اعم از آنوقت و مواد خوارباری هر روز مورد مزاحمت مأمورین واقع نشود و تماس مأمورین دولت با رعایا کمتر باشد این منظور را تأمین کنند بنده موافقم.

رئیس - آقای دکتر ملک زاده.

اعتماد - اجازه میفرمائید؟ بنده و رفقا که این را امضاء کرده ایم اصرار نداریم. باینکه حتماً در این ماده بخصوص باشد مقصودمان این است که این منظور تأمین شود حالا آقای وزیر دادگستری میفرمایند در ماده ۱۷ تأمین میشود ما هم اصراری نداریم.

ناصری - بنده هم پیشنهادی در این ماده کرده بودم آنهم باشد برای ماده هفده.

رئیس - آقای ناصر استرداد کردید؟

ناصری - خیر پس نگرشتم باشد برای ماده ۱۷.

رئیس - آقای ملک مدنی.

ملک مدنی - همانطور که آقای اعتبار فرمودند ما پیشنهاد را پس نگرشتم گذاشتیم برای ماده ۱۷.

رئیس - پیشنهاد آقای دهستانی.

پیشنهاد میکنم جمله برخی که دولت معین مینماید حذف بود. دهستانی

وزیر دادگستری - بنده تصور میکنم خودشان هم توجه فرمودند باینکه اگر این رأ برداریم یک چیز نامحدودی خواهد شد یا باید خودش معین کند یا دولت معین کند.

رئیس - آقای دهستانی.

دهستانی - عرض میکنم بنده پیشنهادی عرض کردم که یک قدری مطلب شکافته شود که نظر دولت تأمین بشود البته جنسی که میدهند نرخ دارد قبلاً شرح این وضعیت یعنی وضعیت بدتر از این را بعرض آقایان برسانم بیست و پنجسال قبل از این دولت برخی معلوم کرد و اعلان کرد یعنی برخی محصولات زراعتی هر قدر بود خرواری یک مبلغی هم زیادتر اعلان کرد و در اعلان قید کرد که تا چند ماه اگر این خواربار را نخرند بجاناً و بلاعوض ضبط شود این عمل باعث شد که تمام مردم با کمال رضایت خوارباری که داشتند آوردند و به دولت فروختند نظر دولت هم تأمین شد و عملی که مأمورین مرتکب بعضی کارها شدند و باعث نگرانی آقایان شده است از کجاست در محلی که خواربار در محلی سیصد کیلو پانصد ربال ارزش دارد شما مأمور میفرستید که به دوستان و پنجاه ربال خریداری کنند البته آن محلی که یک همچو معاملاتی بطور اجبار باید بکنند این راضی است که هر قدر میتواند بمأمور پول بدهد و او را قانع کند و با این ترتیب منظور شما تأمین نمیشود. آن محسوس بی اوصاف آن محسوس بد حاضر است

بهر قیمتی که شده است رشوه و پول بدهد و این جنس را در محل به پانصد ربال بفروشد و به ۲۵۰ ربال بشما بدهد شما اگر واقعاً میل دارید که خواربار تأمین شود همان عملی که بیست و پنجسال قبل شد معمول بدارید و اعلان کنید بعد بگوئید مردم اگر در ظرف یکماه خوارباری که دارند مازاد را نیاروند باید مجاناً بدهند نظر آن تأمین میشود و الا با این قانون درست نمیشود. پیشنهاد را هم پس میگیرم.

رئیس - رأی گرفته میشود بماده موافقین با ماده دوم برخیزند.

(اکثر برخاستند)

رئیس - تصویب شد. ماده سوم:

ماده ۳ - دولت میتواند نسبت بتحصیل اطلاعات راجع بمیزان موجودی کالاهای مورد آگهی و تعیین مصرف افراد و طرز تشخیص مازاد آن و سایر امور مربوطه باین موضوع و همچنین برای نسخه های پزشکان و فروش دارو مقرراتی وضع نماید که بموجب آن برای تخلف کنندگان بر حسب موارد تعیین کیفر خواهد شد و حد اکثر کیفر در اینگونه موارد از ده هزار ربال کیفر نقدی و یا ششماه حبس تأدیبی تجاوز نخواهد کرد.

رئیس - آقای طلباطبائی.

طباطبائی - برخلاف ماده ۶۳ نظامنامه وقت مجلس بیش از یکساعت است که مصرف بمذاکره در یک پیشنهاد است و حال آنکه اگر آقای رئیس توجه میفرمودند بماده ۶۳ پیشنهاد فقط باید خوانده شود و پیشنهاد دهنده مختصر توضیحی بدهد و بعد رأی گرفته شود. آنقدر صحبت شد که آقایان خسته شدند و دیگر مجال صحبت نیست. اصلاً پیشنهاد مطرح میشود. یکی از موارد نگرانی بنده در ماده سه آن سطر آخرش است که برای تخلف کنندگان نباشد بر حسب موارد تعیین کیفر کند. کی تعیین مجازات میکند دولت؟ بنده خیال نمیکند که مطابق هیچ اصلی نباشد دولت هیچ حق مجازات ندارد تعیین مجازات از مختصات مجلس و قانون است شما بطور نامطلوبی بدولت حالا که فرمودید بگوئیم



از مزاحمت مأمورین بنده که چیزی عرض نکردم ولی ملاحظه فرمودید تمام نگرانی از مزاحمت مأمورین است مأمورین هم خیلی خوب اما دولت حق تعیین مجازات ندارد در قانون مجازات عمومی گویا در آن او آخرش يك حقوقي داده است بدوات که يك هفته حبس است و پنجاه ريال نقد ولی اینجا از ده هزار ريال کیفر نقدی و یا ششماه حبس تأدیبی است خود دولت بیاید با مردم تماس داشته باشد طرف باشد نرخ را هم خودش معین کند خودش هم بخرد مجازات را هم خودش معین کند و خودش هم اجرا بکند.

**وزیر دادگستری** - فرمایش نماینده محترم صدق میکند اگر دولت بدون قانون این کار را میکرد آنوقت صحیح بود و حق نداشت و این بر خلاف قانون بود که دولت از طرف خودش مجازاتی تعیین کند اما وقتیکه بموجب يك قانونی بدولت حق داده شود و دولت هم انجام بدهد آن برطبق قانون است و دولت هم میتواند انجام بدهد خلاف هیچ اصلی هم نیست اختیار وضع قانون با مجلس شورای ملی است مجلس شورای ملی هم اختیار میدهد در قانون معین برای موضوع معینی که ذکر شده در حدود معینی که وضع مجازات کند پس هیچ اشکالی هم ندارد سابقه هم دارد بنده جهتی نمی بینم برای اینکه این کار بشود مخصوصاً که ما نمیتوانیم وارد جزئیات بشویم و باید در عوض این هجده ماده که این جا ذکر شده است سه و شش ماده ذکر کنیم و این موارد هم ممکن است زیاد باشد و باقتضای موارد هم فرقی میکنند مجازات اولاً پیش بینی آن مشکل است و بعلاوه دولت باید این اختیار را داشته باشد که در يك همچو موضوع مهمی که باید قانونی باشد و مجازات داده شود و میتواند مطابق قانون مجازات بدهد و راه این هم غیر از این که مجلس بدولت اختیار بدهد که تعیین مجازات بکند و این مجازات قانونی را بموقع اجرا بگذارد نیست و راه دیگری ندارد.

**رئیس** - آقای آزادی.  
**آزادی** - عرض کنم متأسفانه دوره گذشته يك سوابقی گذاشته است در مجلس که عادت شده است که اختیار وضع

بموجب قانون و مرکز صلاحیت دار قانون هم فقط و فقط مجلس است و دولت نمیتواند خودش قانون وضع کند از این نظر بنده ایراد من این ماده این است که به لفظ مقررات نمیشود فعلی را دولت جرم تشخیص بدهد و دولت مجازات برایش معین کند و اسمش را بگذارد مقررات من با تمام موافقتی که در این قسمت هم خودم دارم و هم اکثریت مجلس نسبت بدولت و وزراء بنده استدعا میکنم که آقای وزیر موافقت بکنند که این دو سطر اخیر حذف شود ماده اینطور بشود دولت میتواند نسبت به تحصیل اطلاعات راجع به میزان موجودی کالاهای مورد آگاهی و تعیین مصرف افراد و ملرز تشخیص میزان آن و سایر امور مربوطه باین موضوع و همچنین برای نسخه های پزشکان و فروش دارو مقرراتی وضع نماید. والسلام والا کرام بقیه دیگرش که چه بکنند این مجازات ها را که دولت اینجا میخواهد مقرراتی وضع بکند چه مجازات هائی و چه مقرراتی خواهد بود یا عنوانش عنوان محتمل است که در ماده اول احتمالاً معین کرده اند یا گران فروش است که در ماده های دیگر آن را معین کرده اند یا برای صدور کالاهای خواربار و مورد احتیاج است آنگاه باز در مواد دیگر تعیین شده چون مواد مجازاتی برای محتمل برای گران فروش برای صادر کننده کالاهای عمومی در هر يك از مواد این قانون معین شده است دیگر احتیاجی ندارد باینکه دولت يك مقرراتی وضع بکند و يك مجازات هائی را هم معین بکند.

**رئیس** - آقای انوار.

**انوار** - بنده نظرم همین بود که آقای اوحدی بیان کردند و صحبت ما هم در کمیسیون همین بود که این مقررات و صحبت ها تمام در آئین نامه است نه اینکه دولت تصویب نامه ای در این باب صادر کند این موضوع مابین همه مان معهود بود که عنوان تصویب نامه در این قانون نباشد بلکه بتوانیم تصویب نامه را برداریم مادام که مجلس شورای ملی هست دولت هر چه میخواهد باید از مجلس بگذراند و این تصویب نامه را بپندارند کنار. اما در اینکه آقای اوحدی فرمودند کاملاً

قوانین را دولت از مجلس گرفته است و آن در قسمت آئین نامه است اغلب آئین نامه ها بلکه در قانون ذکر میشود که دولت موظف است که برطبق آن قانون آئین نامه وضع کند بعد از آنکه مراجعه میکنیم می بینیم آئین نامه بکلی با قانون فرق دارد و اغلب مواردش با هم منافات دارد و این برای این است که يك اختیاری از طرف مجلس بدولت داده میشود حالا سابق آئین نامه ها این وضعیت را داشت اما دیگر مقررات کیفری را نمیشود مروط به آئین نامه کرد و بدولت واگذار کرد برای این که وضع قوانین کیفری از مختصات مجلس است زیرا در این قسمت ممکن است مجازاتهای حبس باشد جریمه باشد همینطور که معین شده در این قسمت و وقتی که دولت مقرر کرد این موارد را اسباب زحمت مردم میشود و آنطور که منظور دولت است انجام نمیشود و برای مردم اسباب زحمت فراهم خواهد شد این است که بنده پیشنهاد میکنم همانطور که در قسمت ماده ۱۷ آئین نامه هائی که معین شده است باید بتصویب کمیسیون قوانین دادگستری برسد مقرراتی هم که در این ماده پیش بینی شده که اهمیتش بیش از آن است بتصویب کمیسیون قوانین دادگستری برسد و از تصویب کمیسیون قوانین دادگستری بگذرد که میتواند اجرا کند و این ترتیبی که این جا معین شده نه تنها راجع به مقررات کیفری است بلکه راجع به تحصیل اطلاعات و سایر قسمتها را هم بنده موافق نیستم و عقیده دارم که دولت هم موافقت کند و آقای وزیر دادگستری هم موافقت کنند که این مقررات در کمیسیون دادگستری تصویب شود (صحیح است)

**رئیس** - آقای اوحدی.

**اوحدی** - بنده با کلیات این قانون و تمام مواد آن باستثناء همین ماده ۳ که حالا عرض خواهم کرد از هر جهت موافق بوده و هستم و این قانون را هم خیلی لازم برای این موقع میدانستم و هیچ ترسی هم از طرز اجرا ندارم زیرا اطمینان دارم که دولت مقصودش از پیشنهاد این لایحه موجبات تسهیل و آسایش عمومی است نه برای سختی و صعوبت و اذیت دهات و رعایا البته در موقع تنظیم نظامنامه که

همه اعضا مستحضرنند که مقرراتی وضع شود یعنی آئین نامه یعنی این مسائل را آئین نامه مینویسد و در کمیسیون دادگستری بگذرد تصویب کمیسیون باید برسد تصویبنامه هم ابتدا منظور نظر نبود تصور میکنم آقای وزیر دادگستری هم کاملاً در این باب توجه داشته است.

رئیس - آقای دکتر جوان :

دکتر جوان - این موضوع که آقایان تذکر دادند بنظر بنده همه در يك موضوع متفقند که بنظر بنده خیلی مهم است و این جواب آقای وزیر دادگستری بنظر بنده کافی نیست اینجا اولاً چنین قانونی تا کنون سابقه نداشته است که بدولت در يك ماده اجازه داده شود که مقرراتی وضع بکند که مجازات آن تا شش ماه حبس و ده هزار ریال جریمه باشد. و اما اینکه فرمودند منع قانونی ندارد خیر منع قانونی دارد در تمام قوانین ما قانون اساسی حق اختیار قانون فقهی به مجلس داده شده است و مجلس هم حق توکیل بدولت یا دیگری ندارد و اگر اصولاً ما قبول کنیم که يك چنین اختیاراتی ولو برای مجلس دست دولت باشد این لازمه اش این خواهد شد که قوه مقننه و قوه مجریه هر دو دست دولت باشد و این برخلاف اصول تشکیلات مملکتی است اساساً قوه مقننه کارش وضع قوانین است و اگر چنانچه بنا باشد اینطور اختیارات را همی بدهد بدست دولت ولو اینکه برای وضع يك ماده قانون باشد برخلاف اصول قوانین مملکتی است این بود که عرض کردم چنین حق قانونی نیست و مجلس هم نمیتواند بدهد اگر ما می بینیم که به کمیسیونهای دادگستری و بازرگانی اختیار داده میشود این کمیسیونها اساساً جزو دستگاه پارلمانی است و فرقی ندارد این است که بنده هم با نظر آقایان کاملاً موافق هستم اینهم فتح باب خوبی نیست که این همه اختیار بدهیم گرچه چیز مهمی نیست ولی فتح بابی برای آینده میشود که بدولت این اختیار را بدهیم و ممکن است موارد دیگری پیش بیاید که اسباب زحمت بشود این بود که بنده و آقای آزادی پیشنهادی دادیم که اینجا قید شود که این مقررات با تصویب کمیسیونهای دادگستری و بازرگانی ... مانعی

ندارد مثل آئین نامه و اینکه میفرمایند اینها مثل آئین نامه است خیر اینها مثل آئین نامه نیست آئین نامه يك عنوان دیگری دارد در آئین نامه هم میگوئیم که حق شش ماه حبس دارد اینهم نمیشود آئین نامه هم يك حدودی دارد و اینهم مربوط باجرای يك قانون بوده که داده میشد و اینهم که میفرمائید تغییر دادن کاملاً قانون بنکامه مقررات نمیشود گفت قانونی است خیر این قانون نیست این مقررات یعنی قانون مثل این است که بوزیر اختیار میدهم که قانون وضع کند در این موارد که کیفر متخلفین شش ماه حبس باشد ده هزار ریال جریمه صحیح نیست ولو اینکه کاملاً قانون را برداریم مقررات را بجای آن بگذاریم این است که بنده پیشنهاد میکنم اینجا بنویسند به تصویب کمیسیونهای دادگستری و بازرگانی.

رئیس - آقای امیر تیمور :

امیر تیمور - همینطور که آقای دکتر و رفقای دیگر تذکر دادند بنده هم متوجه این ماده بوده ام و پیشنهادهای هم عرض کرده ام و خدمت آقای وزیر دادگستری هم عرض کردم موافقت فرموده اند که با تصویب کمیسیون دادگستری ( یکی از نمایندگان - و بازرگانی ) وضع میشود و آقایان هم موافقت فرمودند گمان میکنم که نظر آقایان رفقا را تأمین خواهد کرد.

وزیر دادگستری - بنده چون نمیخواهم وارد بحث

مطلب بشوم که این مطلب جزء اصول است یا خیر چون جواب دادم و جواب هم صحیح بود ولیکن برای اینکه مطلب کوتاه شود موافقت میکنم که نوشته شود مقرراتیکه بتصویب کمیسیون دادگستری خواهد رسید.

رئیس - آقای طباطبائی :

طباطبائی - ملاحظه بفرمائید آقای وزیر دادگستری که نظر اکثریت مجلس در موضوع این ماده چیست و آقایان در نظر دارند که این سابقه را بردارند که سابقه بدی است آقا مجلس همیشه وظیفه خودش را نمیتواند بدولت اجازه دهد این را بنده قبلاً عرض کردم که صحیح نیست حالا میفرمائید بکمیسیون بیاید خوب چرا بکمیسیون بیاید و

بمجلس نیاید و آقایان هم راضی نیستند که سابقه بد در مجلس گذارده شود مجلس هم هیچوقت حق قانون گذاری خودش را بکسی دیگر نمیدهد حالا میفرمائید بیاید در کمیسیون تصویب شود چرا بمجلس نیاید ؟ اگر سابقه در پیش بوده است که به کمیسیون دادگستری اختیاراتی داده شده بود آن اختیارات هم محدود و موقت بود و يك لواجی برای آزمایش بود و بعد مقید بودند که بیاید بمجلس شما باید ملاحظه بفرمائید که يك کمیسیونی نمیتواند وظایف مجلس را انجام بدهد عرض کردم تعیین مجازات از وظایف مختصه مجلس شورای ملی است و این پیشنهاد را هم بنده صحیح میدانم.

طوسی - آقای دکتر طاهری پیشنهاد میفرمائید در آخر ماده اضافه شود مقررات نامبرده پس از تصویب کمیسیون دادگستری مجلس شورای ملی بموقع اجرا گذارده شود. و همینطور آقای امیر تیمور در ماده ۳ جمله مقرراتی وضع نمایند نوشته شود مقرراتی با تصویب کمیسیون دادگستری وضع نمایند.

پیشنهاد آقای بیات :

اصلاح ذیل را بماده ۳ پیشنهاد مینمایم. پس از سطر ۳ این عبارت افزوده شود :

نموده و بتصویب کمیسیون دادگستری رسانده که بموجب آن الی آخر.

پیشنهاد آقای دکتر جوان :

اینجانب پیشنهاد مینمایم در ماده ۳ قانون پیشنهادی راجع باختیار بعد از کلمه ( مقرراتی ) جمله ( با تصویب دو کمیسیون قوانین دادگستری و بازرگانی مجلس ) علاوه شود.

پیشنهاد آقای اوحدی :

پیشنهاد میکنم دو فقره آخر ماده ۳ حذف شود.

پیشنهاد آقای طباطبائی :

پیشنهاد میکنم ماده ۳ حذف شود.

وزیر دادگستری - عرض کنم که منظور آقایان

نمایند گمان این است که این مقررات بتصویب کمیسیون مجلس شورای ملی برسد بنده هم موافقت کردم که عبارت اینطور اصلاح شود

و مقرراتی با تصویب کمیسیون دادگستری و بازرگانی وضع نماید. بنا بر این منظور آقایان تأمین خواهد گردید سزاوار ( مخیر کمیسیون ) بنده هم موافقت میکنم نوشته

میشود مقرراتی با تصویب کمیسیون دادگستری وضع نماید. طباطبائی - بنده پیشنهاد حذف ماده را کرده ام برای اینکه مجازات در مواد اصلاح ذکر شده اگر کسی مالی را اختیار کرد به دولت حق دادیم که برود آن مال را بگیرد و تعیین نرخ هم بکند و آن محقر و دارنده جنس هم مکلف است که به دولت بفروشد چون نظر این شد بالاخره خود دولت دیگر حق ندارد این کار را بکند کمیسیون هم حق ندارد این بود که عرض کردم بازم تکرار میکنم که این کار از وظایف مختصه مجلس است بعلاوه عرض کردم اگر کسی مالی را اختیار کرد مجازاتش هست دیگر در اینجا قیدش لزومی ندارد میخواهد چه کند.

وزیر دادگستری - بنده هر چه میخواهم مطلب کوتاه شود ماشاءالله آقای طباطبائی اسرار دارند که بر طول مطالب بیفزایند فرمایشاتی که میفرمائید جواب دارد و اینطور نیست که ایشان میفرمایند و مطلب صحیح هم هست و باید مجازات هم قائل شد برای اینکه این موضوع غیر از ماده دو است و تنها چیزی که مورد نظر آقایان است این بود که با تصویب کمیسیون قوانین دادگستری این کار بشود بنده هم قبول کردم و موافقت کردم که این کار انجام شود و دیگر نه توضیح زیادتری برای این کار لازم است و نه بنده میخواهم بیشتر توضیح بدهم برای اینکه زودتر بگذرد باین جهت موافقت کردم با این پیشنهاد.

جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی است.

دکتر طاهری - پیشنهاد آقای طباطبائی پیشنهاد حذف ماده است رأی گرفته میشود باصل ماده اگر رأی داده نشد که پیشنهاد ایشان قبول شده است اگر رأی بماده داده شد

که پیشنهاد ایشان رد میشود و منظور پیشنهاد کننده تحصیل  
میشود (طباطبائی - صحیح است).

رئیس - رأی گرفته میشود بماده با اصلاحی که آقای  
وزیر دادگستری قبول کردند آقایان موافقین بر خیزند  
(اغلب برخاستند) تصویب شد.

جمعی از نمایندگان - ختم جلسه.

۴ - موقع و دستور جلسه بعد - ختم جلسه |  
رئیس - اگر اجازه بفرمائید امروز عصری ساعت پنج  
دولت تقاضا کرده اند جلسه خصوصی بشود بنا بر این آقایان  
قبول زحمت بفرمایند و ساعت پنج این جا تشریف بیاورند  
جلسه خصوصی بشود جلسه آینده روز پنجشنبه هفتم اسفند  
سه ساعت قبل از ظهر و دستور همین لایحه  
(مجلس یکساعت بعد از ظهر ختم شد)  
رئیس مجلس شورای ملی - حسن اسفندیاری